

منظر روستایی و جلوه‌های پرداخت محیط طبیعی

سید حسن تقوایی *

تاریخ دریافت مقاله:

1391/12/22

تاریخ پذیرش مقاله:

1392/02/22

چکیده

روستاها نقش مهمی در صیانت از ارزش‌های محیطی و فرهنگ اقوام و دانش بومی دارند. در این میان قابلیت‌های محیط طبیعی و به‌ویژه چگونگی پرداخت منظر روستایی با تکیه بر بعضی عناصر طبیعی بسیار با اهمیت است. براساس مطالعات، بررسی این موضوع می‌تواند مبین برخی جنبه‌های بوم‌شناسی منظر و نیز ارائه دهنده برخی ویژگی‌های حفظ تعادل در بوم و چگونگی دوام عناصر طبیعی در شرایط خاص اقلیمی زمینه‌های کیفی زندگی باشد.

هدف این مقاله ارائه بخشی از نتایج پژوهش‌های انجام شده در زمینه بررسی ماهیت و معرفی ویژگی‌های منظر روستایی با تکیه بر جنبه‌های محیط طبیعی و شرایط خاص بومی از دیدگاه معماری منظر است. در این زمینه نیز مهم‌ترین پرسش‌ها در مورد چگونگی اسکان و پایداری محیطی، جلوه‌های بوم‌شناسی در ساختار منظر روستایی و ارزش‌های محیط طبیعی است.

روش کار، مطالعه منابع و متون تخصصی معتبر در زمینه روستا و نیز بررسی‌های میدانی بعضی از سکونتگاه‌های خاص روستایی در ایران و برخی کشورهای جهان بوده است. در این مورد با توجه به اهمیت بوم، شرایط جغرافیایی و باورهای اجتماعی در هویت منظر روستایی، چگونگی پرداخت بستر زمین و نقش عناصر محیط طبیعی روستا اهمیت داشته است. بنابراین به رویکرهای "نوطبیعت گرایانه" ای که ضمن کل‌نگری و درک مفاهیم پایداری، موجب مستند سازی، مطالعه‌های بنیادی و بازشناسی الگوهای بومی در پرداخت منظر روستایی شده‌اند، نیز توجه شد. این توجه به‌ویژه در مورد ایران، به دلیل زمینه‌های زیست بومی منحصر به فرد و مصادیق ارزشمند سکونتگاه‌های پایدار در مناطق خاص جغرافیایی نظیر گرم و خشک تا کویری، بسیار با اهمیت است.

بدین ترتیب بررسی‌ها نشان دهنده جایگاه مهم دانش ضمنی محیطی و بوم‌گرایی مردم، در بهره‌مندی از قابلیت‌های طبیعی و ارزش‌های فرهنگی به‌منظور اسکان روستا و پرداخت منظر و فضاهای باز پیرامون بافت آن است. نتایج پژوهش نیز ارائه دهنده ویژگی‌های منظر روستایی، برخی تعریف‌ها و دیدگاه‌های صاحب‌نظران از جنبه‌های توان محیط طبیعی و اسکان، فضای جغرافیایی روستا، اقتصاد و معیشت و جلوه‌های منظر فرهنگی است. به‌عنوان نمونه موردی نیز با تکیه بر مصادیق سکونتگاه روستایی از جمله خراشق، میمند و الکاس، بعضی ویژگی‌های منظر روستایی آن‌ها از دیدگاه معماری منظر تبیین شده است که ارائه دهنده برخی آموزه‌های مهم نیز هست.

واژگان کلیدی: روستا، منظر روستایی، دانش بومی، پایداری، منظر فرهنگی، معماری منظر، محیط طبیعی.

* استادیار و مدیر گروه معماری منظر دانشگاه شهید بهشتی. h-taghvaei@sbu.ac.ir

مقدمه

به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران، اساس بیشتر رویکردهای انسان در تعامل با محیط، متأثر از باورها و تجربه‌هایش نسبت به طبیعت، ارزش‌های بوم و روند تغییرات آن در تاریخ تمدن بوده و هست. تسری نتایج این تعامل به بخشی از فعالیت‌های انسان و نیز هنر او برای اسکان بهتر در زمین که در چارچوب «معماری» و «معماری منظر» رخ داده است، در موارد زیادی نیز نشان دهنده جنبه‌های گوناگون «طبیعت مداری»، «پایداری» و «دانش ضمنی محیطی» در کنار بعضی رویکردهای مخرب محیط زیست و بی توجهی به ارزش‌های محیط و بوم و منظر است. این نکته در حالی مطرح است که معماری «منظر» و آثار آن و در ادامه «معماری منظر» از جمله واسطه‌ها و زبان مشترک میان انسان و طبیعت و محیط برای زندگی و ادامه حیات در سکونتگاه‌های انسانی بوده‌اند. همچنین، حوزه عمل، از قلمروهای طبیعی تا جزئی‌ترین اشکال و احجام را در بیشتر سکونتگاه‌ها و فضاهای شهری و روستایی در بر گرفته و مخصوصاً در جوامع سنتی، ادراک محیط، لذت زیبایی و طبیعت دوستی از جمله خصوصیت‌های فطری در پرداخت منظر به‌شمار آمده‌اند.

بدین ترتیب از سویی به دلیل ویژگی‌های محیط و منظر، گستردگی دامنه فعالیت‌های معماری منظر در سطح کشورهای پیشرفته و در حال پیشرفت جهان و از سوی دیگر، رویکردهای بوم‌گرا و پژوهش‌های بوم‌شناسی منظر در کنار شناخت بهتر ویژگی‌های محیطی و طبیعی فضاهای شهری و روستایی، به ویژگی‌های محیطی روستاها و زمینه‌های منظر روستایی اهمیت بیش از گذشته داده می‌شود. این اهمیت به دلیل حفظ سیما و منظر، ارزش‌های محیطی و عناصر طبیعی روستاها و همزمان توسعه کیفی و

به‌شدت مهارشده بافت روستایی با تکیه توان طبیعی، نیازهای معیشت و پایداری زیستی است.

برای مثال در بسیاری از کشورها و مخصوصاً در کشورهای اروپایی، صیانت از محیط طبیعی و منظر روستایی یک اصل مهم تلقی شده است که براساس آن نیز پژوهش‌ها و تدوین «دستورالعمل‌های ارزیابی منظر و آثار بصری»¹ توسط مؤسسه‌ها و مراجع ذیربط انجام شده است.² همچنین توجه به قوانین و مقررات حفاظت از محیط زیست و منظر و نیز تأکید زیاد بر دستورالعمل‌های ارزیابی در هر دو زمینه شهری و روستایی را می‌توان در قالب برخی دلایل به‌شرح زیر برشمرد: (طیبیان، 1385: 9)

- بخش اساسی منابع طبیعی پایه را تشکیل می‌دهد؛
- به مثابه گنجینه‌ای، آثار و مستندات باستانی و تاریخی را در خود جای می‌دهد؛
- جایگاه زیست گیاهان و همین‌طور انسان هاست؛
- به مانند گنجینه‌ای است که واکنش‌های عاطفی، فرهنگی و معنوی انسان از آن بیرون می‌جهد و به کیفیت زندگی شهری و روستایی غنا می‌بخشد؛
- منبعی ارزشمند برای بازآفرینی است.

براین اساس، با توجه به رویکرد اغلب مطالعات منظر به حوزه‌های شهری، هدف این مقاله بررسی ویژگی‌های «منظر روستایی» و ارائه برخی نتایج مطالعات و پژوهش انجام شده در زمینه شرایط محیطی و فضای روستایی با تأکید بر منظر و سیمای محیط است. دراین مورد نیز با تکیه بر جنبه‌های شناخته شده ساختار منظر (اعم از شهری و روستایی)، زمینه‌های نظری و عملی بوم‌شناسی در معماری منظر، جنبه‌های پایداری و نیز «دانش ضمنی محیطی» در روند تکوین و توسعه روستاها، این فرض‌ها مطرح شده است:

فرض‌ها

جنبش‌های محیطی اواسط قرن بیستم در کشورهای پیشرفته، درک هویت‌های محلی و به‌ویژه تجارب بوم‌گرایی دهه‌های هشتاد و نود میلادی تاکنون، پیامدهای مثبت فراوانی در حوزه‌های گوناگون برنامه‌ریزی و طراحی منظر روستایی داشته است. دراین میان شناخت ارزش‌های محیط طبیعی روستاها از طریق بررسی ویژگی‌های جغرافیایی و توان محیط و نقش آن‌ها در پایداری زیستی روستا امکان‌پذیر است. بدین ترتیب یک فرض مهم آن است که محیط طبیعی و مکان هر روستا توان بالقوه و ارزش‌های منحصر به فردی برای تشخیص منظر و هویت منظر روستایی دارد.

فرض دوم آن است که به کمک بررسی مؤلفه‌های پایداری و دیر زیستی برخی سکونتگاه‌های روستایی و نیز شناخت "دانش ضمنی محیطی" نزد مردم روستا می‌توان به چارچوب "اصول پرداخت منظر روستایی و آموزه‌های آن" دست یافت.

پرسش‌های پژوهش

بر اساس هدف این مقاله و با توجه به ارائه برخی نتایج پژوهش‌های انجام شده در زمینه شناخت ویژگی‌ها و ساختار منظر روستایی بررسی و پاسخ به پرسش‌های زیر مد نظر قرار گرفت:

- ویژگی‌ها و تعریف منظر روستایی از جنبه‌های اسکان و فضای جغرافیایی چیست؟
- نقش محیط طبیعی در ساختار منظر روستایی چگونه است؟

- آموزه‌های دانش ضمنی محیطی و پرداخت منظر روستایی برای معماری و معماری منظر کدام است؟

روش پژوهش

با توجه به اهمیت بوم، شرایط جغرافیایی و باورهای اجتماعی در هویت منظر روستایی، چگونگی

پرداخت بستر زمین و نقش عناصر محیط طبیعی روستا با تأکید بر مطالعات تخصصی روستا و بررسی‌های میدانی در ایران صورت گرفت و به رویکردهای "نوطبیعت-گرایانه" ای که ضمن کل‌نگری و درک مفاهیم پایداری، موجب مستند سازی، مطالعه‌های بنیادی و بازشناسی الگوهای بومی در پرداخت منظر روستایی شده‌اند، نیز توجه شد. این توجه به‌ویژه در مورد ایران و به دلیل زمینه‌های زیست بومی منحصر به فرد و مصادیق ارزشمند سکونتگاه‌های پایدار در مناطق خاص جغرافیایی نظیر گرم و خشک تا کویری بسیار با اهمیت است. بدین ترتیب روش کار پژوهش ترکیبی از روش‌های مطالعه کتابخانه‌ای و بررسی اسنادی توأم با روش توصیفی/تحلیلی است.

بر این اساس و با توجه به هدف، انجام واژه‌شناسی محیط و منظر و بررسی متون تخصصی و مطالعات موردی با محوریت شناخت ویژگی‌های بومی و محیطی روستایی ضرورت داشته است. همچنین شناخت ماهیت و خصوصیت‌های منظر روستایی، به‌ویژه در مورد مطالعه میدانی و اسنادی مصادیق اقلیم‌های خاص نظیر گرم و خشک در انتخاب روش توصیفی/تحلیلی و در مواردی نیز تطبیق برخی دیدگاه‌های زیر اثر زیادی داشته است:

در زمینه شناخت مفهوم و مؤلفه‌های اصلی منظر روستایی این مقاله متکی به نتایج پژوهش‌های بلند مدت نگارنده از جمله رساله دکترای «طراحی منظر بومگرا در مناطق گرم و خشک ایران: الگوی واحه» و پایان نامه کارشناسی ارشد «جلوه‌های طبیعی منظر روستایی از دیدگاه معماری منظر» در زمینه شناخت ساختار منظر، ویژگی‌های منظر بومی و "دانش ضمنی محیطی" است و در مواردی نیز با تأکید بر مطالعه میدانی بعضی سکونتگاه‌های روستایی ایران و جهان انجام شده است.

اهمیت محیط طبیعی و منظر روستا

در لغت نامه‌ها و تعریف‌ها، متخصصان لایه نازک حیات و پشتیبان‌های آن یعنی زیست کره که شامل هوا، خاک، آب و موجودات زنده است را محیط (environment) می‌نامند. محیط و جوی که کره زمین را از زیان‌های حاصل از تابش بیش از حد اشعه فرابنفش در امان می‌دارد و حیات را امکان پذیر می‌سازد. همچنین محیط زیست طبیعی به مجموعه عوامل زیستی و غیر زیستی (بیوفیزیکی) گفته می‌شود که بر زندگی یک گونه تأثیر می‌گذارند و از آن تأثیر می‌پذیرند (رامین و همکاران، 1389: 321-319). در این مورد، تفاوت طبیعت با محیط زیست در این است که اولی شامل مجموعه عوامل طبیعی، زیستی و غیر زیستی می‌شود که منحصرأ در نظر گرفته می‌شوند، در حالی که دومی یعنی محیط زیست برهم کنش‌های میان انسان و طبیعت را شامل می‌شود.

از سوی دیگر، مفاهیم منظر و آنچه که بیش از همه در متون طراحی و برنامه‌ریزی کاربرد دارد نیز، بر تصویر یا تصاویری از سیمای محیط طبیعی، جلوه زمین و نیز پرسپکتیو عمومی ناظر از محیط باز مرئی و نهایتاً چشم انداز محدود تا سیمای عمومی یک مکان خاص جغرافیایی تأکید دارد. همچنین «منظر» مبین مجموعه‌ای از جلوه‌های ادراک محیط، فرهنگ، باورها و نیز زمینه‌ای است که انواع شکل‌ها، الگوها و جلوه‌های حیات را در خود جای داده است³. به علاوه، منظر به عنوان بخشی از محیط تعریف می‌شود که زمینه فعالیت‌های انسان در بیرون کالبد‌های معماری و درفضاهای باز شهری و روستایی است. در مواردی نیز هر دو واژه با هم و تحت عنوان منظر و محیط بیان شده و زمانی نیز مفاهیم متفاوتی هستند. به همین جهت نیز ادراک محیط یعنی آگاهی از ویژگی‌های پیرامون با استفاده از حواس است. در این شرایط محیط موقعی می‌تواند به مثابه منظر باشد

به طور مشخص تبیین و ارائه عناصر اصلی و ساختار منظر روستایی (با تأکید بر ایران) بیش از همه بر نتایج مطالعه میدانی - اسنادی روستاهای خراتق، ایبانه، سادیان و مرق در ایران، هاهوی در کره جنوبی و نیز مطالعه اسنادی روستای الکاس در عربستان و کولیتا در ایتالیا به عنوان سکونتگاه‌های روستایی بوم گرا، پایدار و با ارزش‌های مکان و فضای جغرافیایی شاخص استوار است. همچنین در ادامه برای تبیین سه جنبه محیط طبیعی، اقتصاد و معیشت و نیز فرهنگ و منظر فرهنگی در منظر روستایی، مصادیق دیگری با محوریت نمونه موردی خراتق معرفی شده‌اند. در این زمینه نیز شرایط خاص اقلیمی و بومی، اسکان، فضای جغرافیایی، مقیاس، قدمت و پایداری و در نهایت شکل بافت و توسعه منظر از جمله ملاک‌های گزینش مصادیق هستند. در مطالعه مصادیق نیز به نقش زمینه‌های تاریخی، معیشت، چگونگی پایداری محیطی و به ویژه جلوه‌های ممتاز منظر و محیط طبیعی در معرفی منظر روستایی توجه شده است. در این مورد، انتخاب مصادیق در اقلیم‌های متفاوت کاملاً آگاهانه و برای تأکید بیشتر بر اهمیت نقش محیط طبیعی در منظر روستایی بوده است. نکته مهم آنکه در ایران و با وجود سابقه طولانی فعالیت‌های دانشگاهی و حرفه‌ای در حوزه روستا، مطالعات تخصصی موردی و متمرکز در مورد ارزش‌های محیطی، «منظر روستایی» و پرداخت آن از دیدگاه معماری منظر انجام نشده است. البته در معدودی از آثار مرتبط از جمله کتاب "درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران" (زرگر، 1378: 30) به نقش تعیین کننده چشم انداز در شکل کلی سکونتگاه روستایی و معماری آن و نیز در برخی پژوهش‌های متأخر از جمله (تقوایی، 1383)، (آتشین بار، 1388) و (رضایی، 1390) به ویژگی‌های طبیعی و منظر روستایی اشاره شده است.

فضاهای باز و توسعه منظر شهری و منظر روستایی کاربرد سازنده داشته باشد. همچنین در زمینه کاربردها بیش از همه نیازمند ثبت و ارزیابی داده های محلی، "عوامل کلیدی توسعه روستایی به ویژه با تأکید بر ساختار جمعیت" (زنجان، 1389: 24)، جلوه های معیشت و شناسایی زمینه های اصلی استقرار سکونتگاه ها روستایی و عوامل سازنده منظر آن هستیم.

برای مثال از جنبه ارزش های طبیعی و منظر و به دلیل اهمیت حفاظت و نگهداری محیط ها و مناظر طبیعی، به ویژه در کشورهای پیشرفته اروپایی که دربردارنده بخش مهمی از مناظر فرهنگی و طبیعی مرتبط با روستاهاست⁵، سیر تحولات سیما و منظر فرهنگی سرزمین، بسیار مدون و دربردارنده اطلاعات غنی و بسیاری از قوانین و مقررات برای صیانت از عناصر طبیعی، مرمت منظر و آثار بصری محیط است. در نتیجه به گفته بل، در اواخر دهه 1980 و اوایل دهه 1990، مجدداً ایده هایی برای ارزیابی و طبقه بندی مناطق با توجه به انواع خصوصیات منظر به منظور استفاده در سیاست گذاری ها و راهبردهای برنامه ریزی مورد توجه قرار گرفت. براساس چنین رویکردهایی ابزارهای مفیدی برای مدیریت و برنامه ریزی منظر به وجود آمد و برخی از روش های پیشنهادی نیز با استفاده از داده های منظر و اطلاعات زیستی - جغرافیایی توان آن را دارند که میان الگوهای فرهنگی و اکولوژیکی پیوند برقرار سازند. (بل، 1382: 18)

اسکان روستا و عوامل سازنده منظر

بیشتر سکونتگاه ها و جامعه انسانی آن ها از جمله سکونتگاه های روستایی، با توجه به خصوصیت ها و کلیه عوامل درونی و برونی خود نظیر مکان طبیعی، فضای جغرافیایی، باورهای مردم و ارزش های بومی که

که مردم آن را درک کنند. اگرچه به گفته مخزومی و پونگتی (1999) باید پذیرفت که در ادراک، تفاوت هایی میان آگاهی ها و شناخت انسان ها از آن چه به عنوان نماد سازی انجام می دهند وجود دارد. این نکته درحالی است که در برخی تعاریف همچون تعریف "مؤسسه مدیریت و ارزیابی زیست محیطی"⁴، منظر به عنوان محیط خارجی دربرگیرنده اطرافمان معنی شده است. محیطی که شامل محیط های روستایی، شهرها و شهرک ها یا حومه های شهری است. (طیبیان، 1385: 9)

براین اساس، شناخت ماهیت محیط و منظر، ساختار آن ها و نیز درک فرایندهای پیچیده و چگونگی روابط میان اجزای آن ها از جمله اهداف مهم برنامه ریزی و طراحی محیطی در رشته های معماری، طراحی شهری و معماری منظر است. این موضوع به ویژه در مورد اکوسیستم روستا و خرداقلیم های آن، زیرساخت های معیشت، کشاورزی و دامپروری مؤثر در ساختار محیط و منظر روستا و به ویژه متأثر از رفتارهای پیچیده و تعاملات میان نظام های موجود اکولوژیک در آن ها از اهمیت بیشتری برخوردار است. زیرا نظام های اکولوژیک - و بخش عمده آن که به انسان و معیشت مربوط است - در عین حال با مؤلفه های زیادی در محیط طبیعی پیرامون و نیز درون فضاهای روستایی درهم تنیده و جلوه های خود را در ساختار منظر روستا نشان می دهد.

بررسی و شناخت فرایندها و مکانیسم های حاکم بر محیط طبیعی روستا و عوامل ساختار منظر روستایی (که هر مورد ویژگی هایی خاص و منحصر به فرد خود را دارد)، مخصوصاً درک ماهیت روابط میان اجزای محیط و منظر می تواند رهیافت مناسبی از چگونگی سازو کار چنین نظام های پیچیده را فراهم آورد، در نتیجه نیز می تواند در فرایند پژوهش، برنامه ریزی و رویکردهای طراحی و نیز در مقیاس های آمایش سرزمین تا پرداخت

در تعامل با هم هستند، در کنار بعضی ویژگی‌های مشترک، جلوه‌های منحصر به فرد و منظر خاص خود را دارند. در این مورد اشاره شد که منظر روستایی نیز دربردارنده و معرف مجموعه عوامل طبیعی و انسان ساخت و جلوه فعالیت‌هایی است که در گرو هم و یکپارچه‌اند. همچنین از آن‌جا که هر روستا، برای زندگی انسان و به عنوان بستر فعالیت‌ها و معیشت او شکل گرفته است، به جز در موارد خاص، عامل انسانی نقش مهمی در کالبد، ساختار فیزیکی و جلوه‌های محیطی و فرهنگی ایفا می‌کند.

در مقیاس ایران نیز اینگونه است، برای مثال و در یک نگاه کلی اغلب روستاها در مناطق مختلف اجزای یکسان دارند و " ساده‌ترین مشخصه تمایز هر روستا در کالبد، شکل و مصالح ساخت آن‌هاست " (آتشین بار، 1388: 32)

از دیدگاه معماری، معماری منظر و جغرافیا، بسیاری از متخصصان، نقش تعیین کننده مکان‌های طبیعی خاص و شرایط اقلیمی را در شکل‌گیری ویژگی‌های معماری بومی مناطق روستایی و نیز مکان سازی، طراحی کالبدی بومی و توسعه بافت سکونتگاه‌ها پذیرفته‌اند (زرگر، 88: 29)، (سرتیپی پور، 1391: 6)، (طاهباز و جلیلیان، 1390: 25)، (Bell, 1999: 2-3) و (دولفوس، 1374: 67). برای مثال و به نقل از زرگر (1388)، برخی متخصصان به نقش تعیین کننده مواد اولیه‌ای که در محیط یافت می‌شوند، گروهی به نظام اجتماعی و نیاز مبرم به تأمین امنیت کل جامعه روستا در مقابل بیگانگان و نیز عده‌ای از متخصصان نوع معیشت و اقتصاد را عامل اصلی و اساسی در شکل کلی سکونتگاه روستایی می‌دانند.

همچنین بعضی متخصصان معتقدند که "منظر عمومی و چشم‌انداز، نقش تعیین کننده‌ای بر شکل کلی

سکونت‌گاه‌های روستایی و معماری آن دارد. در جوامع روستایی و بومی، اهمیت این موارد از طریق وابستگی افراد این جامعه به زمین مدلل شده است. وابستگی خاصی که آینده‌نگری‌های دقیقی را موجب شده و در پرتو این آینده‌نگری‌ها زمین مسکونی از زمین زراعی و تولیدی متمایز گشته و خانه‌ها روی زمین مخصوصی استقرار یافته‌اند که ناظر بر تمام چشم‌انداز طبیعت باشد. حاصل این آینده‌نگری‌ها، ثبات چشم‌انداز و سیمای عمومی روستا است. در مقابل کلیه عناصر و عوامل مادی، عامل فرهنگ وجود دارد. روابط و فعالیت‌های اجتماعی بر کالبد روستا نقش می‌بندد و آن را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد" (زرگر، 88: 30).

مجموعه عوامل مطرح شده می‌تواند به گونه مشترک و با نقش کلیدی و محوری یک یا چند عامل و الگوی طبیعی بر اسکان، شکل‌گیری و توسعه بافت و منظر روستا اثر گذار باشد. به بیان دیگر، روستا یک کلیت و پدیده واحد است و هیچ یک از عوامل شمرده شده نمی‌تواند به طور مستقل عمل نماید. نکته مهم آن‌که به دلیل مقیاس و خصوصیت‌های شناخته شده «محیط و شرایط اقلیمی» و در مورد برخی الگوهای طبیعی، نقش کلیدی این عوامل از زمان اسکان و مکان‌یابی روستا تا توسعه منظر و ساخت‌وسازهای پس از تشکیل آن انکار ناپذیر است. به‌ویژه آنکه محیط و شرایط طبیعی برخی مکان‌های خاص، همواره زمینه لازم برای فعالیت‌های خاص اقتصادی و معیشت تا امنیت و تشکیل جامعه روستایی را فراهم ساخته است. جامعه انسانی روستا که براساس تجارب و دانش ضمنی محیطی خود و با تکیه بر توان محیط و بوم به استفاده از زمین، برنامه‌ریزی و مدیریت کاربرد عناصر اصلی طبیعی و به‌ویژه آب، مکان سازی و تأکید بر ارزش‌های منظر، بستر سازی فعالیت‌های سکونت و معیشت، تثبیت زیرساخت‌های

در مقیاس ایران و از جنبه پایداری آبادی‌ها و سکونتگاه‌های روستایی، معلوم شده که مکان روستا، بستر فعالیت‌های انسانی، روش‌های ساخت و ساز و چگونگی توسعه بافت نیز با توجه به الگوهای طبیعی و ساختار منظر، "در انس و الفت بلند مدت با محیط" (سرتیپی پور، 1391: 6) و به صورت یکپارچه و درهم تنیده‌اند. چنین یکپارچگی و مجموعه عوامل مؤثر آن نیز در تعامل با باورها و سنت‌های جامعه انسانی روستاست. این نکته از جنبه ماندگاری چشمگیر عناصر فرهنگی کهن تا زمان حاضر نیز در خور توجه است. برای مثال روستای میمند در زمینه‌های گوناگون فناوری، آیین‌ها و مراسم، معماری و خانه سازی و دیگر صورت‌های فرهنگی و نیز داشتن شرایط ویژه اقلیمی و طبیعی و از جنبه‌های پایداری آن در منظر فرهنگی ایران شناخته شده است. به‌قولی چنین ویژگی‌های منحصر به فردی از ساخت مکان، چگونگی پایداری و ساخت منظر، خود از جمله معیارهای گزینش این نوع روستاها و آثار آن‌ها برای تک نگاری‌ها و ثبت در میراث فرهنگی است. (شهشهانی، 1384: ز) متأسفانه در اغلب مصادیق موجود، بیشتر بر عوامل محیط مصنوع و کمتر به اهمیت جغرافیای طبیعی دربردارنده منظر طبیعی؛ روح مکان و توان و ارزش‌های ذاتی محیط، به‌ویژه در مورد روستاها و شهرهای با قدمت زیاد تأکید شده است. (ت. 3)

در مقیاس بزرگ‌تر نیز سایمون بل تأکید می‌کند که "مردم با سکونت در یک ناحیه، ایجاد کشتزارها، جاده‌ها، طرح روستاها و شهرک‌هایی که می‌ساختند، به گونه‌ای ناخودآگاه منظر را برای تطابق با اهدافشان تغییر می‌دادند، هرچند این امکان نیز وجود داشت از اینکه در حال خلق الگو هستند، کاملاً آگاه نباشند." (بل، 1382: 12)

طبیعی و مصنوع با تأکید بر شبکه‌های انتقال آب و معابر اقدام نموده است. این اقدام‌ها ضمن توجه به نیازهای زمان حال و آینده و براساس اهداف مشترک مردم و جامعه انسانی موجود، به شدت تابع توان‌ها و محدودیت‌های محیط بوده‌اند. (ت. 1) و (ت. 2)



ت. 1. اسکان روستای خرائق در موقعیت خاص طبیعی و اقلیمی به مثابه الگوی واحه‌ای پایدار.
(منبع: آرشیو نگارنده)

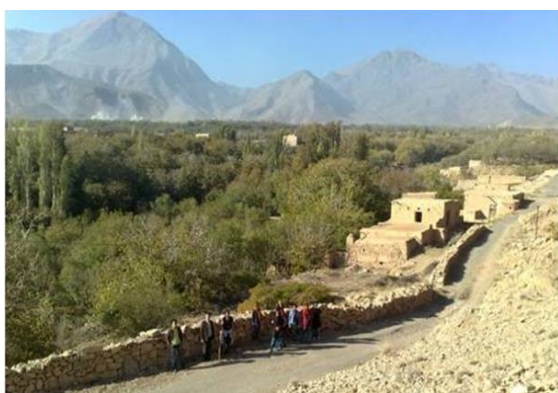


ت. 2. روستای کولیتا در ایتالیا (Colletta di Castelbianco) ، مقایسه منظر روستایی کاملاً متفاوت آن با خرائق از جنبه توان محیط در خور توجه است.
(منبع: wikipedia)

ارزش‌های پیدا و پنهان مکان، منظر و روش‌های پرداخت محیط است.

بنابراین نگارنده معتقد است در مطالعه منظر روستایی، شناخت ماهیت و ارزش‌های ذاتی مکان طبیعی و ساختار منظر نقش تعیین کننده دارد. در موارد زیادی نیز که شرایط خاص اقلیمی و جغرافیای طبیعی حاکم است، منظر عامل دربرگیرنده مکان‌ها و بستر فعالیت‌های انسانی در محیط مصنوع شده است. این موضوع را می‌توان در اغلب سکونتگاه‌های پایدار روستایی ایران نظیر ایبانه، ماسوله، خراتق، میمند و حتی برخی شهرها نظیر تفت و سمیرم فهمید. در برخی مصادیق دیگر درجهان از جمله روستای هاهوی (Hahoe) در کره جنوبی می‌توان به نقش بنیادی عناصر طبیعی و گستردگی یا بسته بودن منازری اشاره کرد که برای مثال موجب نام گذاری مناطق و سکونتگاه‌ها در ایران و جهان شده‌اند.

(ت 4) و (ت 5)



ت 4. عناصر سازنده منظر در روستای سیادان در ایران
با تأکید بر پوشش گیاهی و در دامنه کوه.
(منبع: آرشیو نگارنده)



ت 3. ارزش‌های مکان و خرد اقلیم روستای میمند.
(منبع: آرشیو نگارنده)

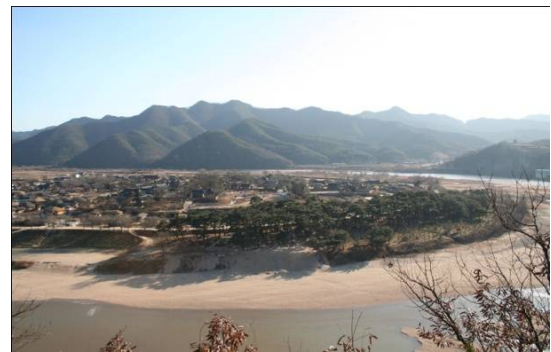
همچنین شولتس با تأکید بیشتر بر مکان و منظر و تأثیر چشم اندازه‌های طبیعی در هویت سکونتگاه‌های شهری و روستایی، معتقد است که منظر به منزله بستر زمینه‌ای گسترده برای مکان‌های انسان - ساخت عمل می‌کند. منظر، این مکان‌ها را در بر می‌گیرد و به جهت «آماده‌سازی» آن‌ها، «درون‌های» طبیعی را نیز در بر می‌گیرد: وی آن‌ها را به عنوان «مکان‌های معنی دار» که به علت داشتن ویژگی‌های ساختاری نیز ویژه شناخته شده‌اند، شرح می‌دهد. (شولتس، 1388: 73)

همچنین بررسی‌های دیگر نشان می‌دهد که به صورت طبیعی و تا پیش از اثرات امکانات و شرایط زندگی مدرن و پسامدرن، شرایط ویژه طبیعی، مکان و منظر روستا نقش تعیین کننده در اسکان و روند توسعه روستا داشته است. همچنین در تعامل کلیه عوامل مؤثر از جمله منظر و ساختار عناصر محیط طبیعی و انسان ساخت آن، نیازها و اهداف انسانی نیز در یک مجموعه همگرا و متحد محقق شده است. نتیجه چنین همگرایی نیز نوعی پایداری محیطی، اجتماعی و اقتصادی، به ویژه ماندگاری فرهنگی است که در موارد زیادی دربردارنده

مطالعات معماری و روستا با عنوان «معماری ارگانیک» معرفی می‌شود و نیز زمانی پایداری محقق می‌شود که شرایط مناسب تعامل فعالیت‌های انسانی، توان محیطی و نیازهای توسعه فراهم شده باشد. این نکته نشان دهنده اهمیت بیشتر محیط طبیعی و منظر روستا در مقایسه با شهر نیز هست. به گفته سرتیپی پور: «مهم‌ترین ویژگی روستاها که آن‌ها را از مناطق شهری متمایز می‌سازد وابستگی‌شان به طبیعت، آب و خاک است؛ به گونه‌ای که نظام اجتماعی، اقتصادی و کالبدی آن‌ها، در ارتباط با این عوامل شکل گرفته و می‌گیرد.» (سرتیپی پور، 88: 5)

بدین ترتیب، روستا یک کلیت و پدیده واحد است به گونه‌ای که مجموعه عوامل و اجزای سازنده آن و نیز مجموعه مؤلفه‌های بیرونی، سیمای محیط و سازمان درونی آن از یکدیگر قابل تفکیک نیستند. در این میان، علاوه بر اهمیت محیط و شرایط طبیعی، اقتصاد و معیشت در ساختار منظر و فضای روستا، هویت، ویژگی‌های اجتماعی و ارزش‌های بومی و محلی نیز قابل توجه است. به گفته علی الحسابی: «آنچه از عنصر به ظاهر متفرق کالبد روستا، هویتی واحد و مفهومی مشخص از زندگی عمومی می‌سازد، سنت سکونت و الگوی زیستی روستاییان است که در فضاهای جمعی تبلور می‌یابد» (علی الحسابی، 87).

همچنین در زمینه ساختار کلی روستا، «چشم انداز روستایی (منظر روستایی) حاصل فعالیت و نحوه برخورد گروه‌های روستایی در یک عرصه محیطی اجتماعی - اقتصادی معین است. این چشم انداز شامل دو بعد بنیادی است: چهره ظاهری که شامل وسعت، نحوه استقرار خانه‌ها، زمین‌های زراعی و سایر ویژگی‌های کالبدی است و ریخت درونی که معرف نحوه سازمان پذیری روابط و مناسبات اجتماعی - اقتصادی گروه‌های روستایی است.» (سعیدی، 87: 328) هر دو جنبه مطرح شده بر



ت. 5. عناصر سازنده منظر روستای هاهوی (Hahoe) در کره جنوبی که در فهرست آثار جهانی قرار دارد و از شرایط خاص مکان و رودخانه پیرامون برخوردار است. (منبع: آرشیو نگارنده)

در این مورد مقایسه واحه‌های بیابانی با سکونتگاه‌های کوه پایه‌ای نیز درخور توجه است. جنبه‌های ساخت مکان، مقر و جلوه‌های محیطی اسکان و معیشت در کنار ساختارهای پیچیده طبیعی و انسان - ساخت نیز همگی معرف هویت روستا، به‌ویژه ارزش‌های منظر روستایی هستند. این موضوع در عین حال که در مقیاس کلان بخشی از محیط کلان است؛ خود می‌تواند دربرگیرنده محیط کوچکتر و خرد اقلیم درون نیز باشد. شناخت این ساختار و ارزش‌های آن از جنبه‌های فرهنگی، محیطی و هویت فضا و بافت و در این مورد فضای روستایی بسیار با اهمیت است.

ویژگی‌های منظر روستایی

الف. منظر و فضای روستایی با تأکید بر محیط طبیعی

در منظر روستایی، ویژگی‌های طبیعی و توان محیطی نقش تعیین کننده دارد. معمولاً هر روستا محصول تعامل انسان - محیط، تکیه بر ارزش‌های طبیعی و بازتاب نگاه احترام‌آمیز ساکنان آن به محیط طبیعی پیرامون و درونی است. برآیند این وضعیت در

بستر محیط طبیعی بر پا می‌شوند و در ارتباط مستقیم با ویژگی‌های محیطی هستند. در این مورد به نظر نگارنده جنبه اول مطرح شده از سوی سعیدی، با مفهوم ارائه شده منظر روستایی در این مقاله بسیار نزدیک است و می‌تواند معرف ویژگی‌های آن نیز باشد. در چشم انداز روستایی نیروهای مختلف تاریخی و اجتماعی - اقتصادی در برخورد با نیروهای محیط طبیعی سبب شکل‌گیری فعالیت‌ها و سازماندهی‌های ویژه می‌شوند. در طی زمان کنش متقابل این نیروها نیز تغییراتی در هر یک از آنها به وجود می‌آید و هر چه قدرت و پیچیدگی‌های یکی از آنها بیش‌تر باشد، سرعت تحولات دیگری بیش‌تر خواهد بود (حالت پایدار روستا حاصل تعادل فعال این نیروها است).

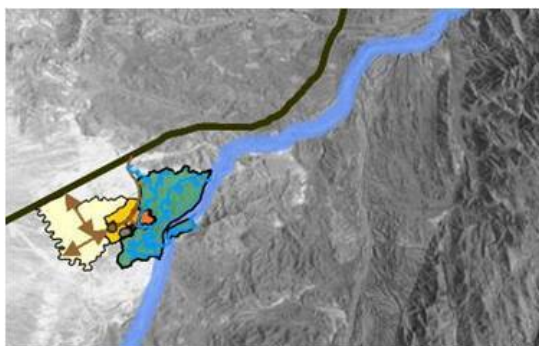
شرایط و نیروهایی که از خارج روستا بر تغییرات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن اثر گذارند، می‌توانند سبب دگرگونی منابع محیطی و به‌طور کلی سبب تحول منظر روستایی شوند. به همین دلیل در بررسی منظر، مخاطب نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. دریافت ساکنان هر روستا از عناصر روستای خود می‌تواند بسیار متفاوت با دریافت شهرنشینان یا برنامه‌ریزان از آن باشد. این موضوع واقعیت تفاوت‌های این دو در پیشینه ذهنی، نیازها و انتظارات آن حکایت دارد. باقی ماندن روستاییان در روستا و حفظ و دوام آن نیز به همین ویژگی‌های متفاوت بستگی دارد. لازمه حفظ حیات روستا نیز توجه به ارزش‌های این مکان و حفظ عوامل آن است. (همان)

برای مثال مطالعه مراحل شکل‌گیری واحه خرائق و بررسی منظر آن از طریق مطالعه محیط طبیعی و سیمای عمومی آن به روشنی نشان دهنده اهمیت موارد مطرح شده است:

در مرحله اول، شرایط خاص جغرافیایی از نظر توپوگرافی، فیزیک بستر و نهایتاً وجود آب و همراه با

افزایش رطوبت محیط، شرایط مساعدی برای شکل‌گیری اکوسیستم بسته یا خرد اقلیم طبیعی در مکان فعلی فراهم ساخته است. این وضعیت متأثر از روند طبیعی حیات موجودات و چرخه توالی در اکوسیستم بسته موجود، به شرایط بهتری برای زندگی و حیات جانداران، به‌ویژه انسان تبدیل شده است. در این میان مهم‌ترین عامل را می‌توان مسیل خرائق و محدوده خاک‌های غنی آبرفتی آن دانست که در مکان و محدوده فعلی متمرکز شده است. این مجموعه با شرایط اقلیم خرد در بردارنده پوشش گیاهان بومی نیز هست. (تقوائی، 1383: 98)

(ت6) و (ت7)

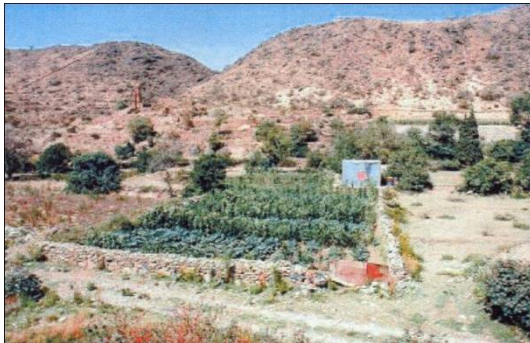


ت6. تصویر هوایی خرائق و موقعیت آن در اقلیم سخت حاشیه کویر مرکزی ایران که مصداق واحه نیز هست.
(منبع: آرشیو نگارنده)



ت7. اهمیت خرد اقلیم‌ها در شکل‌گیری واحه و پایداری حیات گیاهان به‌ویژه گیاهان بومی در مکان‌های خاص.
(منبع: آرشیو نگارنده)

پایداری و شکل دهی به منظر بوم گرایانه آن هاست. این موضوع مبین مفهوم «آموزش محیطی» به معنای درس آموزی انسان از بوم و تأثیر آن یافته‌ها در پرداخت همان محیط و بوم نیز هست. (تقوائی، 1383: 101) (ت9)



ت8. پوشش گیاهان بومی در پناه شکاف های طبیعی در خرائق (سمت راست) و یک باغ محصور مصنوع در روستای الکاس (Al^ckas) در عربستان که در تمام طول سال دیده می شوند.

در این مورد، هماهنگی ساخت محیط طبیعی و مسکونی و نیز مدیریت منظر و جلوه‌های معیشت اهمیت دارد. منظر روستا از یک سو حاصل تعامل عناصر درونی آن است و از سویی دیگر در تعامل با ناظر آن دریافت و تعریف می‌شود. در نتیجه می‌توان عناصر منظر را به گروه‌هایی با توجه به دریافت‌های حسی و ادراک محیط نیز تقسیم‌بندی کرد.

بنابراین، در جلوه‌های توالی واحه و سکونتگاه خرائق، نقش آب به عنوان مهم‌ترین عنصر طبیعی و زمینه سازی آن برای این فرایند مهم اکولوژیکی اهمیت زیادی دارد. این موضوع که به‌ویژه در مقیاس کلان محیط (از جنبه اسکان و آمایش سرزمین) و معماری منظر نمود زیادی دارد، در مقیاس‌های کوچک معماری منظر و طراحی فضاهای سبز درون و برون شهری نیز با توجه به منابع آبی، پوشش گیاهی و حیات جانوری اهمیت فوق‌العاده دارد.

در این مورد آگاهیم که روند توالی و اثرات مثبت آن پایدار خواهد ماند اگر شرایط جغرافیایی زمین و بستر به یکباره تغییر نکند. این موضوع به‌ویژه ارتباط مستقیمی با محصوریت فیزیکی مقرر سکونتگاه و عامل ایجاد خرداقلیم و تثبیت شرایط محیطی دارد. به همین علت محصوریت بستر طبیعی واحه خرائق در بعد پایداری محیطی با اهمیت است و تأمل در آن می‌تواند برای مقیاس‌های گوناگون معماری و طراحی منظر آموزنده باشد. (ت8)

همچنین در مقیاس مناطق خاص گرم و خشک و برای مردمی که با بیابان‌ها و کویر- با افق‌های گسترده و بی‌نهایت در این مناطق و با مناظری بکر زندگی می‌کنند، مناظر در میان گرفته شده و در لفاف پیچیده به‌وجود آمده در سکونتگاه‌های واحه‌ای نظیر خرائق در ایران، الکاس در عربستان یا دیگر مصادیق مشابه، زمینه ساز فضاهایی با کیفیت درخور برای آسایش روحی روانی و امنیت است. ویژگی‌های فوق که با تکیه بر شرایط طبیعی به ایجاد محیط و منظر بومی مناسب برای حضور انسان در شرایط سخت زیستی منجر شده، مبین «پناهگاه بوم گرا» نیز هست⁶. آگاهی از این خصوصیت هم حاصل تجارب سالیان متمادی همزیستی ساکنان زیست بوم های بیابانی و بسیاری از سنت‌ها برای

بازخوانی می‌شود. سپس در سلسله مراتب رسیدن به روستا، مراتع، مزارع و باغ‌ها، بافت کلی و جلوه‌های ظاهری ساختمان‌ها و ترکیب مصالح عمده ساخت و برخی اجزای منظر درک می‌شود." در این مرحله است که شامه مخاطب با عطر و بوی گیاهان و گاه عطر حاصل از فعالیت‌های ویژه ساکنان آشنا می‌شود. حیات گیاهی و جانوری، آهنگ منظر روستا را می‌نوازد و مخاطب را در بر می‌گیرد. سپس، زندگی اجتماعی ساکنان توأمان حیات روستا جلوه‌گر می‌شود و بدین‌گونه ماهیت روستا در ظاهر آن پدیدار می‌گردد" (رضایی، 1390: 54).



این‌ها در واقع همان عناصری هستند که روستاییان از روز پیدایش روستا با آن‌ها در ارتباط بوده‌اند؛ تماس مستقیم با خاک و آب و گیاهان و هماهنگی با مجموعه عناصر و آنچه که تا پیش از اثرات زیرساخت‌های مدرن و تجهيزات نوین ساخته شده است. از این رو، منظر روستا متأثر از شرایط محیطی، فرهنگی و تغییر نظام‌های سیاسی و اجتماعی نه تنها طی سالیان دچار تحول می‌شود بلکه این تغییرات در ترکیب با تغییرات فصول سال و حتی در گذار از شب و روز و در دوره‌های زمانی بسیار کوچک‌تر نیز متغییر و محسوس است. در نهایت، آنچه در مواردی همواره ثابت خواهد ماند، جلوه یا جلوه‌های زیست‌گاهی است که با هویت ویژه خود و در میان تمامی تحولات، متکی به پایداری عناصر محیط طبیعی و صفات ویژه منظر و باورهای انسانی خود است.

ب. منظر روستایی با تأکید بر اقتصاد و معیشت

رویکردهای تخصصی برای شناخت و مطالعه نقش محیط طبیعی توأم با اقتصاد و معیشت روستا و به‌ویژه ارزش‌های بوم و منظر منتج از آن‌ها در ساختار کلی و چشم‌اندازهای توسعه روستایی، توسط جغرافی‌دانان قرن نوزدهم و در اروپا صورت گرفت. در ابتدا مطالعات روستا و شناخت ویژگی‌ها و جنبه‌های مربوط



ت. 9. ویژگی محصوریت و شرایط بستر و نحوه اسکان خرائق و قلعه آن در مقایسه با روستای الکاس (اهمیت هماهنگی محیط طبیعی و انسان ساخت و به‌ویژه مدیریت جلوه‌های بصری در منظر).

به‌طور مشخص و برای مثال در مواجهه و خوانایی سکونتگاه روستایی، آنچه در آغاز پیدا می‌شود، تصویر کلی و شمایی از آن روستا در بستر و مقر خود متأثر از محیط پیرامون است. به همین دلیل نیز موقعیت و مکان، جلوه‌های فضایی و همسایگی‌های موجود در بافت به‌عنوان نقش در زمینه‌ای متشکل از بستر زمین، آسمان و افق، می‌تواند سیلوئت (خط آسمان) و منظر اولیه روستا به‌شمار آید. در ادامه سیما و ساختار روشن‌تر منظر روستا

و حومه نشینی و روستا- شهر نشینی افزایش یافته است. این نکته به روشنی اثرات فرهنگی ناشی از نزدیکی شهر و روستا بر شکل توسعه و خصوصیت‌های منظر و تغییرات محیط طبیعی را نشان می‌دهد.

برای مثال به‌ویژه در جوامع غربی/ اروپایی میانه قرن بیستم، مالکان جدید به کشاورزی سنتی اعتقادی نداشتند، آن‌ها عاشق طبیعت بکر بودند و زندگی را با تمام پیچیدگی‌هایش دوست داشتند. از سویی دیگر روستا- شهر نشین‌ها که تازه وارد مناطق روستایی شده بودند، خواهان زیرساخت‌های اجتماعی و عمومی نظیر امکانات ورزش، بازی و دیگر فعالیت‌های نیازمند فضای باز بوده‌اند. به این جهت توافق و هماهنگی عمومی همانند گذشته در زمینه منظر مطلوب میان ساکنان روستا نیز وجود نداشته است.

در زمینه تأثیر تغییرات اجتماعی و فرهنگی و نیز جنبه‌های اقتصادی بر چگونگی توسعه بافت و منظر روستایی، بررسی‌های آنی آنتوینی (Annie Antoine) مورخ فرانسوی در مورد مناظر روستایی غرب فرانسه درخور توجه است. او به کمک بررسی نقشه‌های تقسیم‌بندی زمین‌ها، ویژگی و میزان پرچین‌ها را به عنوان نشانه کاربری زمین مورد مطالعه قرار داد. براساس مطالعات وی در قرون 18 و 19 که دوران طبیعت‌گرایی بود، کشاورزی تنها راه برای ثروتمند شدن محسوب می‌شد؛ پس وظیفه اصلی اقتصاددانان و کشاورزان نیز هرچه منطقی‌تر کردن کشاورزی بود. در نتیجه برای یک مشاهده‌گر ناآشنا، منظر زیبا، منظری بود که ثروت را نشان می‌داد و بر همین اساس مزرعه زیباترین بخش محیط طبیعی بود؛ اما در این‌جا این دیدگاه با دیدگاه دهقانان متفاوت است. برای دهقان، زمین لم‌یزرع (مرتع) و مزرع دو قطعه از یک کل را تشکیل می‌دهند و هر دو بخشی از یک سیستم هستند. برای او این دو بخش

به نحوه شکل‌گیری و توسعه روستایی بیشتر در قالب سه دیدگاه مطرح شده است: نخست «مواجهه ساختاری» و براساس ویژگی‌های نژادی و اقوامی است که روستا و منظر آن را شکل داده‌اند. دوم «مواجهه عملکردی» با منظر روستایی است که معمولاً براساس زراعت و دامداری شکل گرفته است و در آن مهم‌ترین موضوع بر چرخش‌های سالم تولید محصول و فرایندهاست. سومین جنبه، «مواجهه باستان‌شناسی» است که ویژگی‌های شکل‌گیری منظر روستا در گذشته تاکنون و نیز شرایط عملکردی غالب دوره‌های موجود را منعکس می‌کند. (رضایی، 1390: 18)

براساس یافته‌های موجود، در زمینه‌های شکل‌گیری روستا و عوامل مؤثر در آن و نیز توسعه ساختار و منظر روستا، نقش جنبه‌های عملکردی پررنگ‌تر و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ اگرچه متخصصان بر جنبه‌های دیگری از جمله موارد سمبولیک که توسط مردم محلی و بومی به‌وجود آمده است نیز تأکید دارند و آن‌ها را نفی نمی‌کنند.

متناسب با روند توسعه اجتماعی- اقتصادی جوامع انسانی در جهان (به‌طور عمده در نیمه دوم قرن بیستم)، روش‌های دیگر مطالعه و تحلیل منظر روستا‌ها با تأکید بر چگونگی معیشت و ارزش‌های اقتصادی و تولیدی روستایی مطرح شده‌اند. در این مورد مؤلفه‌هایی چون سوددهی و برداشت محصول اهمیت ویژه‌ای دارد و بر اساس آن نقش مالکان بسیار تعیین‌کننده است و به طراحی مزارع و چگونگی منظر آن نیز تسری یافته است. برای مثال در قرن بیستم، بهره‌وری به شدت افزایش یافت؛ از این رو استخدام کارگران در مزارع کاهش یافته و در نتیجه آن نیز تغییرات اساسی در ساختار روستا و مزارع کشاورزی و همچنین منظر به‌وجود آمده است. در ادامه با کاهش شدید تراکم نواحی روستایی نیز ترکیب جمعیتی آن‌ها تغییر یافته

تکمیل کننده هم هستند. زمین های زراعی با پرچین هایشان باید در کنار مرأتعی قرار گیرند که بدون پرچین در اختیار عموم قرار دارند. این دو سیستم زراعی متفاوت، به دو منظر با سیمایی متفاوت منجر می شود. میزان پرچین ها در این مناطق نشان از حجم کشاورزی و دامداری بود. منظر روستایی در چنین بستر قانونی و اجتماعی، یک واقعیت دینامیک بود. برخورد عملکردگرایانه آنی آنتوینی برای درک چگونگی پیدایش، شکل گیری و تحول منظر روستایی در مناطقی که زراعت و دامداری تنها فعالیت است، روشی مناسب به حساب آمده است.

در مجموع با توجه به اهمیت مناطق روستایی و به ویژه زیرساخت های طبیعی و اقتصادی آن ها از جمله زمین های کشاورزی و مزارع، جنگل و ساحل، منظر روستایی بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته و دیگر زمینه های فرهنگی و اجتماعی نیز مطرح شده است.

در مورد معیشت و جنبه های اقتصادی مؤثر بر منظر روستایی و در مقیاس جهان مثال های زیادی وجود دارد. در بیشتر روستاهای ایران، کشاورزی، باغداری، دامداری و دامپروری از جمله منابع اصلی اقتصادی به حساب آمده است. به همین دلیل می توان جلوه های بصری و مناظر کاملاً منحصر به فردی را مطرح کرد. حتی در مناطق گرم و خشک تا کویری نیز اینگونه است و برخی ویژگی های طبیعی، محیط مصنوع و جلوه های معیشت متأثر از دانش بومی نقش مهمی در جلوه های منظر روستایی دارند.

برای مثال "کشاورزی کاملاً سنتی و منطبق با توان بومی که اصلی ترین پیشه مردم خرائق بوده و هست، علاوه بر ساخت منظر طبیعی، مهم ترین عامل حفظ کلیت خرائق است. (ت10) بدین ترتیب، در منظر عمومی و سیمای طبیعی این زیست بوم نیز، زمین ها و چشم اندازه های کشاورزی، عمده ترین عامل سرسبزی و منحصر به فرد بودن منظر هستند. همچنین زمینهای

کشاورزی خرائق، در محدوده مشخص طبیعی و به کمک دیواره سازی، تراسها و سطوح مختلف؛ به زمینه خوانایی برای دیگر عناصر مصنوع همچون قلعه تبدیل شده است. این مجموعه که تقریباً در اغلب فصول سال جلوه های زیبا و خاطره انگیزی را پدید می آورد، از چند عامل مهم سود می جوید: هندسه و شکل کرت ها، میان راهها، جوی های آب، لبه تراسها، برخی نشانه های طبیعی چون درخت یا پستی بلندی های کوچک، تنوع محصولات کشاورزی و رنگهای مختلف طبیعی در منظر، در این میان کوچک بودن اندازه و مقیاس برخی محصولات به ویژه انار، پسته، گوجه فرنگی و حتی اندازه تار پنبه در مقایسه با موارد مشابه در مناطق دیگر، بسیار جالب توجه است." (تقوائی، 1383:95)



ت10. جلوه های کشاورزی و باغ های کوچک در زمینه قلعه خرائق و اهمیت آن در منظر این روستا.

در اروپا و در کشور اتریش، منطقه هالشتات (Hallstatt) و منظر روستایی و ساحلی آن درخور توجه است. این منطقه یک نمونه برجسته از منظر طبیعی زیبا و گسترده است که علاوه بر داشتن جنبه ای ممتاز برای مطالعات علمی پژوهشی، حاوی شواهد اساسی از فعالیت-

باشد که می‌بایست قرائت کرد؛ آن را دید، شنید، بویید و به‌ویژه لمس کرد. بخشی از منظر فرهنگی است که در نتیجه احتیاجات عملی و کاربردی ساکنان یک منطقه، با توجه به توان‌ها و محدودیت‌های اقلیمی و آب و هوایی شکل گرفته است.⁸ در این مورد، مفهوم منظر فرهنگی⁹ که به عقیده کارل ساوور¹⁰، پدیده‌ای شکل گرفته از منظر طبیعی به‌وسیله گروه‌های فرهنگی تبیین شده است نیز در حال حاضر به‌منظور اهداف خاص میراث جهانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین بخش عمده‌ای از مناظر فرهنگی را نیز جنبه‌های مهم و برخی جلوه‌های منحصر به فرد منظر روستایی تشکیل می‌دهد.

بدین ترتیب و به‌طور کلی، فرهنگ به‌عنوان عامل، منظر طبیعی به‌عنوان یک زمینه و منظر فرهنگی نتیجه و حاصل آن است. تحت تأثیر یک فرهنگ ارائه شده که به خودی خود در طول زمان تغییر می‌کند منظر طبیعی دستخوش توسعه می‌گردد و به‌قول ساوور "از حالتی به حال دیگر" در می‌آید. نکته مهم آن‌که ساوور به‌شدت بر اهمیت ویژه طبیعت تأکید می‌کند و معتقد است که "طبیعت پایه و زمینه اصلی منظر فرهنگی را فراهم می‌کند و فرهنگ، یعنی آنچه که به انسان بستگی دارد و تحت تأثیر انسان قرار گرفته است به‌عنوان یک عامل شکل دهنده منظر عمل می‌کند" (p.46 Carl Sauer, 1929).

براین اساس با توجه به برخی دیدگاه‌های اخیر در مورد ارتباط منظر روستایی و ارزش‌های فرهنگی، به قول ابن صالح، منظر فرهنگی می‌بایست بازتاب تجارب انسانی، انتظارات آنان و نیز برداشت‌هایشان باشد. و همچنین نباید فقط بازسازی شیوه‌های قبلی باشد بلکه باید آنچه را که امروز وجود دارد در روابط بوم‌شناختی مدل‌سازی و جاری سازد. بازسازی منظر فرهنگی به‌ویژه با تأکید بر ارزش‌های طبیعی و فرهنگی، باید هم به‌عنوان رویه و هم به‌عنوان تولید درک شود؛ در عین حال

های اقتصادی انسان‌ها در یک کل یکپارچه و به‌شکلی هماهنگ است. این منظر فرهنگی (Cultural Landscape) در عین حال نشان دهنده تاریخ بسیار با سابقه‌ای از نظر اقتصادی و استخراج نمک است.⁷ (ت 11)



ت 11. یک مکان خاص طبیعی و استقرار بافت روستا در امتداد لبه ساحل و در عین حال تکیه بر دیواره طبیعی جنگلی: هالشتات در اتریش (Hallstatt-Dachstein)
(منبع: <http://whc.unesco.org>)

بر اساس مطالعات، معادن نمک همواره بر همه جنبه‌های زندگی مردم، هنرها و حتی معماری تأثیرگذار بوده‌اند. استخراج نمک و فراوری آن به‌عنوان یک منبع حیاتی برای زندگی بشر و حیوانات در این ناحیه بوده است که باعث شد تا این منطقه دارای رونق اقتصادی و کاملاً مستقل باشد و این استقلال و رونق در نتیجه ارتباط عمیق میان فعالیت‌های انسان و طبیعت در یک منظر وسیع و بکر بوده است.

ج. منظر روستایی به‌عنوان بخشی از منظر فرهنگی

با توجه به موارد مطرح شده، منظر روستا معرف جلوه‌های واقعی زندگی و تعامل پویای انسان و محیط است و درک آن نیز به‌تنهایی و با نظاره جلوه‌های بصری و از دور امکان‌پذیر نیست. همچنین می‌تواند ویژگی

محدودیت‌های غیر قابل گذشت و هم موقعیت‌های ذاتی را نیز در خود جای دهد تا بتواند در ساختار تاریخی تغییری ایجاد کند. در همین مورد به گفته سرتیپی پور: "تعریف از یک روستا با مشخصه‌های روشن بومی آن است که این روستا باید قادر باشد تعهدش را در سه بعد مختلف ادا کند: بعد اجتماعی: حمایت، مسئولیت، حس تعلق و مشارکت، بعد اکولوژیک: استفاده از عناصر محلی، حفاظت از خاک، آب و هوا و ارتباط شخصی با زمین و بعد فرهنگی: احترام به زمین و یکدیگر، ارزش‌های مشترک، پرورش خلاقیت" (سرتیپی پور، 88: 99).

این تعریف در حالی است که دانش بومی نیز "هم به اجزای فرهنگ یک قوم و هم به کل آن گفته می‌شود و این درهم تنیدگی جزء و کل به شکلی است که در جوامع سنتی زندگی بدون دانش بومی تصور پذیر نیست." (عمادی و عباسی، 1378) دراین مورد، یک نکته مهم آن‌که دانش بومی خارج از خاستگاه فرهنگی خود از تکامل باز می‌ایستد و معنا و مفهوم و کارایی خود را از دست می‌دهد. به همین دلیل، دانش بومیان جهان گنجینه‌ای از مهارت‌ها و آگاهی‌های لازم برای بهره برداری پایدار از منابع تلقی می‌شود¹¹. همچنین از آنجا که دانش بومی که آمیخته با جریان زندگی است، در بطن محیط طبیعی و اجتماعی محلی تکامل می‌یابد، به‌علاوه با شرایط بومی کاملاً سازگار و از همین رو ماندگار است. در این نظام هماهنگ، انسان‌ها به "جریان پایدار منابع طبیعی برای امرار معاش و سیستم‌های اقتصادی خود وابستگی بسیار دارند" (فرید من، 1380). این موضوع، در عین حال اهمیت استفاده بهینه از سرمایه‌های طبیعی و مصنوع در ساختار منظر و تعامل محتاطانه انسان با طبیعت و محیط زیست را هم در سکونتگاه‌هایی (همانند روستاها) که محیط طبیعی آن‌ها اهمیت زیادی دارد، آشکار می‌سازد.

یک نکته مهم دیگر در مورد نقش و اهمیت موضوع فرهنگ در مفهوم منظر است. به قول کنت اولویگ (Kenneth Olwig)، مفهوم هلندی منظر (Landskip) مبین یک واحد سیماشناسی یا ریخت شناسی و در عین حال یک واحد اجتماعی و فرهنگی نیز بوده است. دامنه کاربرد و تعریف این واژه نیز به سکونتگاه گروهی خاص که آداب و رسوم مخصوص به خود را دارند، محدود بوده است. همچنین اولویگ به این نتیجه رسید که برای دهقانان و افراد مربوط به آنان، منظر نمی‌تواند فقط به‌عنوان یک «صحنه» و چشم انداز مطرح باشد، بلکه یک ساختار سیاسی و اجتماعی است که در یک سرزمین مجسم شده است. برخی مورخان نیز بر این موضوع تأکید داشته‌اند. برای مثال دوراند (Durand) در کتاب خود¹² بیان می‌کند که برای افراد محلی، دورنماها یا چشم اندازهای منظر (Pays)، همان واحدهای اجتماعی - سیاسی و محدوده خانه‌هایشان است. به‌علاوه برای آن‌ها منظر تنها تلقی بصری از ترکیب‌های خاص بستر و زمین، پرچین، مزرعه و خانه روستایی نیست، بلکه نمود نظام‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نیز هست¹³. (دوراند به نقل از رضایی، 1390: 18)

منظر روستایی به مثابه جلوه بخش عمده ویژگی‌های محیطی، فرهنگ و معیشت نیز هست. برای روستاشینان «منظر» هم جلوه نظام زراعی و کشاورزی است و هم تجسم پایه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی؛ اما برداشت‌های دیگری هم از آن‌ها می‌شود: شاخصه‌هایی نظیر شیب زمین، قرارگیری نسبت به خورشید، پوشش گیاهی، خاک و غیره به برخی از املاک ارزش ویژه‌ای می‌دهند. به‌عنوان مثال در جایی روستاییان محله‌ها را براساس نوع خاکشان جدا کرده‌اند. در این دیدگاه طبیعت گرایانه، یک منظر از ترکیب مناطق و عناصر محیطی تشکیل می‌شود که هر یک شخصیت و ویژگی‌های

موجود محیط‌های طبیعی و مصنوع، با در نظر گرفتن محیط فعالیت‌های انسانی است. همچنین "عناصر سازنده منظر و تعامل تمامی آن‌ها براساس اصول پایداری در جوامع زیستی می‌تواند منجر به چرخه‌ای شود که به پایداری منظر می‌انجامد. در این منظومه توجه به روابط درونی عناصر شکل‌دهنده منظر و کل مجموعه اهمیت زیادی دارد" (تقوایی، 83: 19).

همچنین با توجه به مفهوم فضای جغرافیایی و ساختار منظر، «منظر روستایی» معرف و متشکل از مجموعه عناصر و ارزش‌های موجود در محیط طبیعی، محیط انسان ساخت و جلوه‌های گوناگون فعالیت‌های انسانی و باورهای فردی و اجتماعی است. دراین مورد کلیت بسیاری از روستاها و فضای جغرافیایی و منظر آن‌ها به دلیل اثرات متقابل انسان و محیط طبیعی و مکان جغرافیایی سکونت انسان، به روشنی دارای هویت محیطی و ارزش‌های بومی خاص است. همچنین پایه زندگی و معیشت روستاییان بر محیط و منابع طبیعی بنا شده است و فعالیت‌های اصلی نظیر کشاورزی، دامپروری و باغداری نیز در ارتباط کامل با شرایط محیطی و طبیعت قرار دارد. به علاوه کالبد و بافت فضاهای باز و بسته روستا متکی بر توان و ویژگی‌های محیط طبیعی، چگونگی و شکل توسعه روستا را مشخص می‌نماید. چنین ویژگی‌هایی در ترکیب با بعضی مؤلفه‌های فرهنگی و به‌ویژه عناصر شاخص طبیعی، نقش مؤثر و تعیین کننده در «منظر روستایی» دارد.

بدین ترتیب از دیدگاه دانش جغرافیا و جغرافیای طبیعی، وجود بعضی عناصر طبیعی و ویژگی‌های منحصر به فرد جغرافیایی، جنبه‌های متمایز اقلیمی، جلوه‌های فرهنگی و معیشت از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌های بازشناسی و تعیین هویت روستا و نیز تبیین چگونگی فضا و مشخصه های منظر روستایی است¹⁶، به گفته سهامی: "هر

مخصوص به خود را دارند. مردم محلی «منظر» را به عنوان سطحی تلقی می‌کنند که عناصر طبیعی توسط نشانه‌های خاص ادراک می‌شوند.

مفاهیم فضا و منظر روستایی

براساس مطالعات، مجموعه ویژگی‌های محیط طبیعی و منظر به عنوان مهم‌ترین عوامل ساخت مکان، شکل توسعه و فضای جغرافی و طبیعی هر شهر و روستا در طول زمان به حساب آمد. "فضایی که موقعیت و مقر را مشخص می‌سازد و به گفته اولیویه دولفوس¹⁴، عینی است و مکان آن نیز در زمین قابل تعیین است" (سهامی، 1374: 9). به نظر دولفوس اگرچه مکان هر نقطه را در فضا می‌توان معین کرد ولی آنچه در این میان حایز اهمیت و اعتبار است موقعیت آن نسبت به مجموعه‌ای است که خود در آن جای دارد و روابطی است که با محیط‌های گوناگون، که خود جزئی از آن است، برقرار می‌کند. به یک عبارت، فضای جغرافیایی در حال تغییر است و به قول وی "فضایی است که مرحله‌ای از دگرگونی را پشت سر نهاده و وجه ظاهر آن را «چشم انداز» تشکیل می‌دهد، این فضا را می‌توان تقطیع و تقسیم کرد و با وجود تکه تکه شدن، عناصر آن همواره به نحوی نابرابر با هم پیوستگی دارند". (سهامی، 1374: 9-10)

نگارنده معتقد است از سویی فضای جغرافیایی که در اینجا فضای طبیعی نامیده شود به دلیل غلبه عناصر محیط طبیعی و مؤلفه‌های آن از جمله شکل زمین و ناهمواری های آن، آب، پوشش گیاهی و شرایط اقلیمی در کنار جامعه زیستی انسانی و انواع فعالیت های آن در مورد روستا ها نمود بیشتری دارد و منظر خاص هر روستا را نیز معین می‌سازد¹⁵. از سوی دیگر و براساس مطالعات معماری منظر، ساختار منظر و ارزش‌های مؤثر در هر منظر متشکل از مجموعه عناصر و ارزش‌های

عنصری از این فضا و هر شکلی از چشم انداز (منظر)، بر حسب مکانی که در سطح سیاره ما اشغال می‌کند و بر حسب ترکیب‌هایی که این عنصر در سیر تحول خود با سایر عناصر ایجاد می‌کند، پدیده‌ای یگانه و منحصر به فرد است که نه در هیچ زمانی دیگر و نه در هیچ مکانی دیگر به وضعی مشابه و یکسان تکرار نمی‌شود. (سهامی، 1374:

12) هر شهر و روستا، هر کوه و هر رود دارای هویت ویژه خویش است. هیچ منظری دقیقاً مشابه منظر دیگر نیست و این بدان معنا نیست که همگن بودن وجود ندارد زیرا که در یک وضعیت کلی و در یک مشاهده اجمالی در مقیاس‌های بزرگ می‌توان شباهت‌ها را به‌ویژه در زمینه کلیت بوم، فرایندهای طبیعی و بوم‌شناسی، تغییرات شکل زمین و یا پایداری منظر را فهمید.¹⁷

از جنبه معماری روستایی و به نظر سرتیپی پور، "روستا از صور استقرار اجتماعات انسانی و از واحدهای طبیعی و جغرافیایی، با مجموعه‌ای از فعالیت‌های زیستی است که با سکونت و مسکن ارتباطی مستقیم دارد و قادر است همه یا بیشتر مایحتاج سالانه خود را از درون خود تهیه کند. بخش وسیعی از اراضی روستا شامل عناصر طبیعی مانند رود، چشمه، کوه، زمین‌های زراعی و غیره است" (سرتیپی پور، 88: 4).

از دیدگاه معماری منظر و به عقیده سایمون بل، "منظرهای روستایی اغلب بسیار ارزشمندند و می‌توانند مکان‌های بسیار جذاب برای حیات انسان هم باشد، براین اساس هم یک چالش مهم آن است که نوعی تمایل دائم برای اشغال چنین منظرهایی وجود دارد" (Bell, 2011).¹⁸ یک نکته مهم در مورد پرداخت و مدیریت مناظر روستایی با ارزش‌های منحصر به فرد، تأکید بر بالا بردن سطح درک و بینش افراد نسبت به "درک ویژگی‌های پایداری محیطی، شرایط بومی و فرهنگی و ارتباط تنگاتنگ آن‌ها با ساختارهای محیط

مصنوع به‌عنوان جزئی از یک نظام زیست محیطی بزرگ بوده است. نظامی که نشان دهنده قابلیت «دانش بومی» مردم روستا و کارایی آن در روند پایداری محیطی و بوم است. (تقوایی، 1385: 47)

مؤلفه‌ها و ساختار منظر روستایی

با تکیه بر تجارب معماری منظر و پژوهش‌های به‌عمل آمده در مورد منظر روستایی¹⁹، به نظر رسید که شرایط اقلیمی، ویژگی‌های بالقوه محیط طبیعی و زمینه‌های فرهنگی هر روستا در کنار جنبه‌های عینی - ذهنی مربوط به جلوه آن‌ها، در سه مقیاس «اسکان و نحوه استقرار»، «فضای روستایی و بافت»، «کالبد فضاهای باز و بسته» با در نظر گرفتن شیوه‌های زندگی و معیشت قابل تبیین است. در مقیاس اسکان و استقرار روستا که به مکان‌یابی و نحوه شکل‌گیری آن ربط دارد، بسیاری از عوامل طبیعی و انسانی تأثیر دارند؛ به‌طور کلی و به‌عنوان مهم‌ترین عامل، روستاها اغلب در نزدیکی حاشیه منابع آب، در نزدیکی زمین‌های مستعد کشاورزی و خاک‌های حاصلخیز، متکی به ذخایر پوشش گیاهی و نیز در شرایط اقلیمی و مکانی قابل قبول مردم شکل می‌گیرند. در این مورد شکل زمین، ناهمواری‌ها و برخی عناصر طبیعی از جمله گیاهان محل استقرار را تعیین می‌کند و شیوه دسترسی به منابع آب، فرم آن را می‌سازد. این نکته در حالی است که نیازهای انسانی از جمله امنیت، معیشت و تأمین محصولات غذایی و برخی مسائل اجتماعی - سیاسی نیز الزامات محل اسکان و نحوه استقرار روستا را تعیین می‌کند. در نتیجه تعامل و برآیند این نیروها، بافت روستا به صورت یکی از فرم‌های خطی، دایره‌ای، کوچه‌ای و به‌صورت فشرده یا پراکنده در تعامل با ویژگی‌های طبیعی بستر خود شکل می‌گیرد و کلیت منظر روستایی به‌گونه عینی و ذهنی ادراک می‌شود.

خصوصی و عمومی که بر منظر مؤثر است، حضور بیشتر مردم و فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی‌شان در مکان، کیفیت منظر روستا را در این مقیاس به شدت متفاوت و منحصر به فرد می‌سازد.



ت 12. منظر ایبانه از سمت جنوب: لایه‌های متفاوت عناصر محیط طبیعی و محیط متشکل از درختان باغ‌ها، خط خانه‌ها که به بلندای تپه سرخ رنگ خود تکیه کرده است (منبع: رضایی، 1390: 79).

عناصر انسان ساخت در این مکان‌ها نیز بیشتر در جهت تعدیل شرایط محیطی از قبیل دما و رطوبت شکل گرفته‌اند و معابر، مطابق با الگوی هدایت آب‌های سطحی در بافت توسعه یافته‌اند و نقش مهمی در منظر روزانه و جلوه‌های بصری روستا دارند. در این شرایط و پس از آب، نقش دیگر عناصر طبیعی همانند درختان، شکل بستر زمین و به‌ویژه میزان شیب اهمیت زیادی دارد. همچنین برخی زیرساخت‌های انسان ساخت نظیر کانال‌های انتقال آب، سطوح کف و مصالح محلی، پلکان‌ها و دروازه‌ها، سایبان‌ها و طاق نماها و بعضی عناصر مانند باغ‌ها و باغچه‌ها و جداره‌های آن‌ها در ایجاد خرداقلیم در کنار جلوه‌های خاص بومی و بصری در منظر روستا نقش مهمی دارند. بدین ترتیب، از یک سو ویژگی‌های خاص محیط، طبیعت و فعالیت‌های انسانی و از سوی

در مقیاس فضای روستایی و بافت روستا، برخی عوامل محیطی، عناصر و منابع طبیعی به‌ویژه آب، امنیت و باورهای فرهنگی نقش تعیین‌کننده‌ای در نظام هندسی و ساختار فضایی و مخصوصاً جلوه‌های بصری آن دارند. همچنین موجب تعیین نوع ارتباط فضاهای باز و بسته و نیز اندام‌های معماری و به‌ویژه واحدهای مسکونی با زمین‌ها زراعی، باغ‌ها و مراتع و دیگر عناصر روستا می‌شوند. در این جا نیز عوامل انسانی نظیر جمعیت، اقتصاد و معیشت و نیز عوامل جغرافیایی و سیاسی به شدت تأثیرگذارند. در تعامل با عوامل مطرح شده، می‌دانیم که اغلب روستاها توسط باغ‌ها و سپس مزارع احاطه می‌شوند. همچنین در برخی از روستاها، خانه‌ها محصور در باغ‌ها، نیزارها، در دل زمین و یا پستی و بلندی‌های آن، در میان زمین‌های کشاورزی بزرگ قرار دارند و برخی نیز بر پایه معیشت در حاشیه و امتداد دریا، جنگل، رودخانه، بیابان و حتی در حاشیه کویرها مستقر شده‌اند. گاهی روستاها درون حصارهای محکمی پناه می‌گیرند و گاهی در امتداد جاده اصلی پیشروی می‌کنند. فشردگی بافت‌ها، چندطبقه شدن خانه‌ها، چرخش آن‌ها به یک جهت خاص و حتی مصالح مورد استفاده آن‌ها که منظر عمومی روستا را شکل می‌دهند براساس عناصر محیط طبیعی و به‌ویژه جهت جغرافیایی متناسب با تابش خورشید تعریف می‌شوند. (ت 12)

در مقیاس خرد، فضاهای باز درون روستا شامل معابر، گره‌ها و میدان‌گاهی‌ها، باغ‌ها و باغچه‌های درون بافت و زمین‌های رهاشده هستند که تحت تأثیر محیط، عوامل طبیعی و فعالیت‌های انسانی، هویت خاص پیدا می‌کنند. در این مقیاس، استفاده انسان از فضا ملموس‌تر است و نقش او در تعیین سیمای غالب و به‌ویژه جلوه‌های بصری، بیشتر به نظر می‌رسد زیرا علاوه بر نیازهای



ت 14. بافت مسکونی و باغ‌های روستای اسپیدان با تمرکز در اسکان. (منبع: رضایی، 1390)



ت 15. توسعه بافت روستایی پراکنده و تلفیق محیط طبیعی و مصنوع، اسالم. (منبع: رضایی، 1390)

در این مورد، باوجود تغییر شرایط و نیازهای انسان در گذر زمان، می‌توان تحولات آرام و سنجیده در مناظر روستایی را با تکیه بر ارزش‌های محیطی، محیط طبیعی و توان بوم مشاهده کرد. اگرچه در موارد زیادی، شرایط خاص محیط طبیعی و اثرات یک یا چند عنصر طبیعی خاص نظیر بیابان، لبه ساحل، رودخانه، کوه و تپه، جنگل و یا برخی چشمه‌ها روند توسعه بافت و منظر روستایی را در طول تاریخ و به‌گونه پایدار به خود معطوف داشته‌اند. مهم‌ترین عناصر پرداخت محیط و منظر این روستاها و روش‌های بومی مؤثر در توسعه از جمله آب،

دیگر چگونگی رابطه عوامل مورد اشاره و نیز شیوه‌های استقرار روستا در مقیاس‌های گوناگون به فضا و منظر روستایی شکل و هویت می‌دهد. در این زمینه پژوهش‌های انجام شده نشان داد که می‌توان چند دسته کلی از شیوه استقرار و جلوه منظر روستایی را تبیین و معرفی کرد؛ توسعه خطی روستایی (برای مثال در امتداد لبه دریا و رودخانه، دیواره‌های طبیعی) (ت 13)، توسعه متمرکز و شعاعی (اغلب حول یک مرکز طبیعی یا فرهنگی، منبع طبیعی آب به‌ویژه چشمه‌ها و یا تپه‌ها) (ت 14)، توسعه پراکنده و غیر متمرکز (وجود چند عامل تعیین‌کننده و نیز بستر زمین نظیر جلگه و دشت) (ت 15)، توسعه چند بعدی متمرکز (توسعه در ارتفاع و تکیه بر کوه یا تپه و برخی شیب‌های تند بستر زمین)، توسعه مصنوع و شکلی (براساس طرح‌ها و برنامه‌های یکپارچه، برخی باورهای فرهنگی، زیرساخت‌های طبیعی و مصنوع). (تقوایی، 1383: ف 4)، (رضایی، 1390: 52-55)



ت 13. لافت، نمونه‌ای از استقرار و توسعه خطی در منظر روستایی (منبع: منصوری، 1386)

از جمله بستر و شکل زمین، منابع آب و جلوه‌های توزیع آن، گیاهان و عوامل محیطی نظیر اقلیم و به‌ویژه جلوه‌های بصری و طبیعی خاص اهمیت زیادی دارد.

نتیجه

منظومه روستا، با تکیه بر توان محیط و عناصر طبیعی و فرهنگی خود نقش مهمی در حفظ فرهنگ اقوام و دانش بومی به‌ویژه ارزش‌های شناخته شده منظر فرهنگی دارد. در این میان شناخت قابلیت‌های محیط طبیعی و به‌خصوص تقویت ویژگی‌های منحصر به فرد منظر روستایی با تکیه بر بعضی عناصر بومی و باورهای محلی اهمیت زیادی دارد. در این مقاله، بخشی از نتایج بررسی جنبه‌های بوم‌شناسی منظر و نیز ویژگی‌های ساختار منظر و فضای روستایی با تأکید بر محیط طبیعی ارائه شد. همچنین به کمک مطالعه اسنادی و میدانی برخی مصادیق روستاهای پایدار و تطبیق ویژگی‌های ساخت منظر و پرداخت محیط طبیعی آن‌ها، جنبه‌های مهم منظر روستایی معرفی شد و از دیدگاه معماری منظر و ضمن تبیین زمینه‌های مهم این فعالیت و رویکردهای آن در پرداخت محیط طبیعی و منظر شهرها و روستاها تلاش شد به پرسش‌های مطرح شده پاسخ داده شود. بدین ترتیب اشاره شد که تولیدات دانش و هنر معماری منظر نتیجه درک جامع از تجمیع زمینه‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی، اکولوژیکی و مجموعه عناصر طبیعی و الگوهایی است که در شرایط خاص، در کنار هم به تعادل رسیده‌اند. این شرایط که بیش از هر چیز مدیون درک و شناخت ویژگی‌های بومی و جغرافیایی خاص هر منطقه است که همواره و در طول تاریخ، پاسخگوی بسیاری از نیازهای مادی و معنوی انسان‌ها بوده است. این نکته علاوه بر بیان مفهوم معماری منظر، به‌طور

بستر زمین و خاک، پوشش گیاهی و گیاهان بومی و نیز نوع زراعت، باغداری و روش‌های آبخیزداری جلوه‌های خود را محفوظ داشته‌اند. (تقوایی، 1386: 22-8)

این نکته درحالی مطرح است که امروزه و به دلایل مختلف، بافت بسیاری از روستاها به مخاطره افتاده و توأم با تغییر ساختار اجتماعی و فرهنگی، مناظر روستایی نیز دست‌خوش تغییرات و برخی ناهنجاری‌ها شده‌اند. (ت16)



ت16. معابری که زمانی برای عبور انسان و حیوانات اهلی بوده، به مکانی برای گذر ماشین تبدیل شده است. روستایی در حال گذار به روستا-شهر در خراسان شمالی. (منبع: رضایی، 1390)

البته توان محیط و منظر طبیعی روستا محدود است و امکان هماهنگ شدن با تغییرات سریع توسعه روستایی را ندارد و در نتیجه، موجودیت مستقل، زمینه‌های پایداری و به‌ویژه هویت محیطی و جلوه‌های بصری منحصر به فرد خود را از دست می‌دهد. از این رو، شناخت بیشتر روابط پیچیده حاکم بر مناظر روستایی می‌تواند در حفظ آن‌ها یا حداقل تعدیل مسائل و سازگاری‌شان با فرهنگ جوامع کارگشا باشد. در این مورد صیانت و توجه به عناصر طبیعی مؤثر در هر سه مقیاس مطرح شده منظر روستایی،

ضمنی به ویژگی‌ها و نقش دانش و هنر معماری منظر در مطالعات و فعالیت‌های مربوط به روستا‌ها اشاره دارد.

با تبیین نقش مهم مؤلفه‌های محیط طبیعی و برخی عناصر خاص نظیر شکل بستر زمین، آب و گیاه در اسکان و پایداری محیطی روستا، مشخصه‌های فضا و منظر روستایی در قالب سه دسته و مقیاس کلان تا خرد معرفی شد و در این زمینه چگونگی اسکان و توسعه فضایی و بافت روستا متشکل از محیط طبیعی و انسان ساخت در وضعیت‌های توسعه خطی، متمرکز، پراکنده و چند بعدی با توجه به اثراتی که در منظر روستایی دارد، ارائه گردید.

براین اساس، تأکید شد که روستا به‌عنوان یک سکونتگاه انسانی است و مبنای زندگی روستاییان نظیر کشاورزی و دامپروری و فعالیت‌های تولیدی فردی و جمعی همانند تولید صنایع دستی نیز به‌شدت در تعامل با طبیعت و بوم و جلوه‌های معیشت هستند. فضای روستایی و به‌ویژه بافت روستا همانند نقشی در زمینه محیط طبیعی و منظر است. دراین منظر، بعضی عناصر طبیعی، آثار مصنوع و فعالیت‌های انسانی کلیدی هستند. در این منظومه کلیدی یکپارچه نیز آثار ناملموس فرهنگ و باورهای مردم نقش تعیین کننده دارد. چنین منظومه و منظری که بر بوم روستا تکیه دارد، منظر روستایی نام دارد که ویژگی ممتاز و شناخته شده اغلب مصادیق روستاهای پایدار در ایران و جهان است.

همچنین، نتایج مطالعات و بررسی‌های نشان می‌دهد که حیات بسیاری از روستاهایی که تاکنون پایدار مانده‌اند، در صورت عدم توجه به ظرفیت‌های بردباری محیط طبیعی و بوم، متأثر از سرعت توسعه و اثرات بیرونی، بسیار سریع‌تر از گذشته دچار آسیب‌های ساختاری محیطی و فرهنگی خواهند شد. این موضوع در پی ورود دیگر عناصر فرهنگی انسانی و به خصوص

اثرات عناصر و جلوه‌های بصری نامرتبط با منظومه روستا، ویژگی‌های منحصر به فرد منظر روستایی و توان بازسازی آن را نیز مختل خواهد ساخت. به همین دلیل توجه به توان محیط، ویژگی‌های بوم و میزان مداخله فعالیت‌های انسانی در منظر، تأثیر مستقیمی در منظر روستایی و هویت آن دارد.

در ایران، بسیاری از مصادیق روستا وجود دارد که منظر روستایی منحصر به فرد و همانند گذشته را ندارند و بیشتر به سکونتگاه‌هایی با ساختار کالبدی مصنوع و یک شکل مبدل شده‌اند. در این سکونتگاه‌ها، غلبه ساخت و سازهای اخیر و به‌ویژه جلوه بسیاری از زیرساخت‌های تأسیساتی بر محیط طبیعی و منظر غالب روستا مشهود است. این نگرانی، اهمیت توجه بسیار بیشتر از گذشته به مدیریت بهره‌برداری و نگهداری ساختار فیزیکی و جلوه‌های بصری محیط طبیعی و منظر روستایی را در مقایسه با کالبد و بافت محیط مصنوع نشان می‌دهد. در عین حال برخی کوشش‌ها نیز امیدوار کننده است. نتایج بررسی‌ها در مورد حفظ ارزش‌های محیطی و فرهنگی روستاها، همانند آنچه که در مورد ابیانه و موزه نوردیسکا مطرح شد، نشان می‌دهد که تلاش‌های معطوف به معرفی عناصر و جنبه‌های مهم در ساختار محیط طبیعی و منظر روستا، به آسانی می‌تواند زمینه ساز شناخت بیشتر موجودیت روستا و منظر روستایی شود. مطالعه نحوه پیوند کالبد روستا با بستر طبیعی که مکان استقرار آن نیز هست، توأم با شناخت ساختار منظر و تقویت توان‌های طبیعی بوم می‌تواند نقش مهمی در کیفیت منظر روستایی داشته باشد. چنین کلی‌نگری و توجه ویژه به کیفیت کالبدی و معماری ابنیه روستا و ارتقای کیفیت منظر روستایی، موجب ارتقای همه جانبه روستا و در نتیجه، امیدواری به پیامدهای توسعه اقتصادی، تقویت وضعیت معیشت و پایداری است.

9. عبارت «منظر فرهنگی» نخستین بار در ایالات متحده آمریکا و در سال 1925 توسط پروفیسور «کارل ساوور» معرفی گردید.

10. Carl Sauer, 1929

11. به قول یوجین اودم، "بوم شناسی مطالعه محیط زیست و نحوه زندگی و سکنی گزیدن موجودات زنده در محیط طبیعی و اکوسیستم است. دانش بوم شناسی نیز نگاهی کل گرا به تمامی بوم و محیط زیست دارد و مفهومی برای مطالعه زندگی بشر، موجودات دیگر و محیط زیست آنها به طور یکجاست. بر این اساس، می توان آگاهی های ضمنی انسان در آمایش، پرداخت و ساخت محیط زندگی خود را که تماماً ناظر بر بوم و قابلیت های طبیعی است، دانش بومی و عمل متأثر از آن را هم بوم گری دانست" (تقوایی، 1383).

12. Vive au pays au XVIIIe siècle

13. موزه نوریسکا (Nordiska Museet) در استکهلم و در سال 1873 توسط دکتر هازیلوس (Hazelius) تأسیس شد. در این موزه، مزرعه ای از هر فرمانروایی برای معرفی آن بازسازی شد. آگاهی مردم از تأسیس موزه نوریسکا، آن ها را بر آن داشت تا به خانه ها و مزارع شان بیش از گذشته به عنوان گواه هویت خود نگاه کنند. همچنین منظر روستایی به صحنه ای تبدیل شد که در آن روستاییان به مسافران و گردشگران می گفتند که چه کسی هستند. این نوع نگرش در مدتی کوتاه میان اغلب روستاییان و حتی در شهرها رواج یافت.

14. Olivier Dolfus: L'espace Ge'ographique

15. در این مورد لازم است به تفاوت عمده میان منظر و چشم انداز و ماهیت آنها نیز توجه کرد.

16. به طور یقین در مورد شهرها نیز صادق است.

17. در این مورد ویدال دولابلش از بنیانگذاران جغرافیای فرانسه، واژه «سیمای ظاهر» را به مثابه معادلی برای «چشم انداز جغرافیایی» به کار می گیرد.

18. Bell, 2011 RIBA: <http://www.architecture.com>

19. برای مثال نگاه کنید به: (بل، 1399)، (تقوایی، 1383 و 1390) و Eben Saleh, - 2000 (رضایی، 1390).

منابع

- اکالاگان، جی. آر. (1386)، کاربری زمین: اثر متقابل اقتصاد، اکولوژی و هیدرولوژی، ترجمه منوچهر طبیبیان، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.

1. Guidelines for Landscape and Visual Impact Assessment

2. برای مثال: انستیتو منظر L.I، انستیتو ارزیابی و مدیریت محیطی IEMA، کنوانسیون اروپا (EC)، بنیاد میراث طبیعی اسکاتلند (SNH)، انستیتو مدیریت زیست محیطی و ارزیابی (IEMA)

3. با توجه به مفهوم منظر و شناخت زمینه های فعالیت معماری منظر معلوم شده که امروزه مفهوم منظر در حوزه های معماری، معماری منظر و شهرسازی معرف جلوه هایی از ساماندهی و پرداخت بستر زمین و پیرامون برخی عناصر طبیعی در محیط های بکر و انسان ساخت، محوطه سازی ابنیه، بعضی آثار برنامه ریزی و طراحی فضاهای باز و سبز شهری و روستایی و موارد مشابه است.

4. IEMA

5. براساس آمار، متأسفانه مشابه برخی کشورهای جهان، در ایران که از دیرباز سیمایی روستایی داشته است سهم جمعیت روستایی آن از حدود 90 درصد به 30 درصد کاهش یافته است (زنجانی، 1389: 25-24). در نتیجه آبادی ها و روستاهای زیادی رونق زندگی و نیز ساختار محیطی و جلوه های منظر همچون گذشته خود را ندارند.

6. منظور پناهگاه اکولوژیکی (Ecological Refuge) است، مکان مناسب و امن برای استقرار و حتی زندگی موجودات زنده به ویژه انسان در کنار قراول منظر و دیدن صحنه مقابل است.

7. بر اساس دسته بندی کنوانسیون میراث جهانی برای دارایی های فرهنگی، ترکیبی از گروهی از ساختمان ها در یک محوطه است. بنابراین، این اثر در دسته مناظر فرهنگی قرار می گیرد چرا که نشانه ای از ارتباط میان بشر و طبیعت و تعامل میان این دو در طول تاریخ است.

8. این تعریف به ویژه برای منظر سکونتگاه های قدیمی انسان و آنها که به وسیله فرهنگی کهن ایجاد شده اند صادق است. همچنین، منظر فرهنگی تنها یک واقعیت مادی بدون انعطاف نیست، بلکه به مفاهیم دیگری متصل است. البته خاطرات، اسطوره ها و دیگر باورها در کنار منظر، با توجه به هویت منطقه و شرایط گروهی، قومی و اجتماعی اقتصادی تغییر می کنند.

- آتشین بار، محمد. (1388)، *منظر روستایی در غرب ایران: اورامان و پالنگان روستاهای آیینی ایران*، مجله منظر، شماره دوم.
- تقوایی، حسن. (1383)، "طراحی منظر بومگرا در مناطق گرم و خشک ایران" - رساله دکتری، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده معماری و شهرسازی.
- تقوایی، حسن. (1385)، "پایداری منظر و بوم در مناطق گرم و خشک و کویری ایران"، مجموعه مقالات، همایش علمی - منطقه‌ای معماری کویر، دانشگاه آزاد اردستان.
- تقوایی، حسن (1385)، "معماری منظر مناطق گرم و خشک؛ آسیب شناسی جلوه‌های بصری محیط کالبدی"، مجله مسکن و انقلاب.
- تقوایی، حسن. (1386)، "واحه: جنبه‌های بوم شناختی و پایداری در پردازش محیط و منظر"، نشریه صفا، دانشگاه شهید بهشتی.
- جمشیدیان، محمد. ماسوله منظر هم‌نشین با طبیعت، نشریه الکترونیکی منظر.
- رضایی، فاطمه. (1390)، پایان نامه کارشناسی ارشد معماری منظر، راهنما سید حسن تقوایی، "جلوه های طبیعی منظر روستایی از دیدگاه معماری منظر"، دانشگاه شهید بهشتی.
- سرتیپی‌پور، محسن. (1387)، آسیب‌شناسی معماری روستایی: به سوی سکونت‌گاه مطلوب، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و دانشگاه شهید بهشتی.
- سعیدی، عباس و دیگران. (1387)، *دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور*.
- علی‌الحسابی، مهران. (پاییز 1387)، *کندوکاوی در کیفیت طراحی روستایی، آبادی، شماره 60*.
- شاکری‌زاد، عباس؛ مسگری، سارا؛ میری، حسن. (پاییز 1389)، *بازشناسی خانه در ایبانه، مسکن و محیط روستا، شماره 131*.
- شهشهانی، سهیلا. (1384)، *سرای میمند: تک نگاری روستای میمند، انتشارات مرکز کرمان شناسی*.
- دولفوس، اولیویه. (1374)، *فضای جغرافیایی، ترجمه سیروس سهامی، نشر نیکا، تهران*.
- رامین، علی و همکاران. (1389)، *دانشنامه دانش گستر، جلد پانزدهم، چاپ اول، مؤسسه علمی - فرهنگی دانش گستر*.
- زرگر، اکبر. (1388)، *درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ پنجم*.
- زنجانی، حبیب‌الله... (زمستان 1389)، *عوامل کلیدی در توسعه روستایی از دیدگاه جمعیت‌شناسی، فصلنامه علمی - پژوهشی روستا و توسعه، سال 13 - شماره 4. وزارت جهاد کشاورزی، ص 1-26*.
- طاهباز، منصوره؛ جلیلیان، شهربانو. (پاییز 1390)، *شاخصه های همسازی با اقلیم در مسکن روستایی استان گیلان، فصلنامه علمی پژوهشی مسکن و محیط روستا، شماره 135. سال سی ام. ص 23-42*.
- مؤسسه منظر و موسسه مدیریت و ارزیابی زیست محیطی، دستورالعمل های ارزیابی منظر و آثار بصری، ترجمه منوچهر طبیبیان، دانشگاه تهران، 1385.
- Eben Saleh, Mohammed Abdullah, (2000), "Value Assessment of Cultural Landscape in Alckas Settlement, Southwestern Saudi Arabia", AMBIO: A Journal of the Human Environment: Vol. 29 Arabia", 2000
- Scott, Andrew, (1999), *Dimentions of Sustaibility*, E&FN SPON
- Taghvaei, S.Hassan (2008), *Tacit Knowledge and Deep Ecology*, Environmental Science Magazin, Vol.6/No.1, Shahid Beheshti University(SBU), Iran
- Taghvaei& Fardanesh, "LandscapeArchitecture inDesert Ecosystems", Al-AinUAE, 2002